حجاب یکی از نمود‌های بیرونی زیست عفیفانه است / مولف: زهرا میرزایی

**یک پژوهشگر ارشد مطالعات زنان به ارائه راهکار‌هایی به منظور تعمیق فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه پرداخت.**

زهرا میرزایی، پژوهشگر ارشد مطالعات زنان، درمورد بهترین راهکار‌های تعمیق **فرهنگ عفاف و حجاب** در کشور بیان کرد: درمورد فرهنگ عفاف و حجاب باید بگویم که به زعم بنده، حجاب یک مقوله بیرونی است و مسئله عفاف، اصل و درونی است که به شخص برمی گردد و حجاب یکی از نمود‌های بیرونی فرهنگ یا **زیست عفیفانه** است و خودش را در **پوشش** فرد نشان می‌دهد. بنابراین، حجاب در لباس و ویترین پوششی فرد و عفاف در رفتار فرد خودش را نشان می‌دهد و همه این‌ها به باور‌های فرد برمی گردند.

میرزایی گفت: باید به این مسئله توجه داشته باشیم باور فرد این است که برای تعامل خود با دیگران و جامعه چه هنجار‌هایی را باید رعایت کند. از اینرو، اگر بخواهم عفاف را تعریف کنم باید بگویم به مفهوم **تقوا** و چارچوب رفتاری فرد برمی گردد و ما تقوا را در فرهنگ دینی خود داریم، اما چارچوب فرد و خود کنترلی، یک مفهوم روان شناختی بین المللی است. یعنی هر فردی برای خودش یک چارچوب رفتاری یا خود کنترلی دارد.

وی ادامه داد: یک انسان کامل قطعاً روی رفتار خود کنترل دارد. بنابراین، این مفهومی که به عنوان زیست عفیفانه و یا رفتار تقوا محوری مدنظرمان است به آن مفهوم برمی گردد. در نتیجه، احساس می‌کنم یک مقدار گفتمانی که در جامعه داریم گفتمان عام مردم نیست. یعنی به گونه‌ای صحبت کرده ایم که وقتی می‌گوییم تقوا، افراد و عموم جامعه نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند و شاید این به خاطر مفاهیمی باشد که در آموزش و پرورش و نهاد‌های آگاهی بخش دیگری بیان می‌شود و حداقل، مطابق با زبان امروز جامعه نیست. یعنی زبان به گونه‌ای است که نوجوان‌ها و عامه مردم نمی‌توانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند که این مفهوم آموزش داده شده به چه معناست؟

این پژوهشگر ارشد مطالعات زنان تصریح کرد: باید برای داشتن یک سلامت روان چارچوب رفتاری داشته باشیم و این موضوع و خود کنترلی که نشان دهنده توانمندی روان فرد است از جایی نشأت گرفته است. مثلاً اگر قرار است در جامعه، امنیت روانی و اجتماعی داشته باشیم باید بتوانیم چارچوب کنترلی خود را متناسب با هنجار‌های جامعه تنظیم کنیم. اما این که چگونه می‌خواهیم این فرهنگ را جا بیندازیم باید هنجار‌ها را منتقل کنیم.

وی با اشاره به فرهنگ حفظ امنیت ادامه داد: فرهنگ حفظ امنیت یک مسئله فطری است. یعنی همه افراد برای حفظ جان و منافع خود به امنیتشان فکر می‌کنند. از اینرو، به نظر بنده، ما برای این که به جامعه منتقل کنیم چرا زیست عفت مدار باید در جامعه رعایت شود باید این مقوله با بحث امنیت ارتباط برقرار کند.

میرزایی افزود: فرد برای این که امنیت خود در جامعه را تأمین کند احساس می‌کند باید یک چارچوب رفتاری داشته باشد و به این موضوع فکر می‌کند که باید چه کاری انجام دهد تا منفعت و امنیتش در جامعه حفظ شود؟ همه این‌ها به حفظ امنیت و منافع باز می‌گردند و مسائل فطری هستند که فرد با آن‌ها به دنیا می‌آید، اما این چارچوب‌ها را یاد می‌گیرد. چرا احساس می‌کند با تناقض روبرو شده است؟ چون جوان و نوجوان در بستری زیست می‌کند که هنجار‌هایی که به آن‌ها آموزش داده می‌شود تا حدی متفاوت از هنجار‌هایی است که در رسانه رسمی کشور به آن‌ها گفته می‌شود و در فضای قانونی و آموزش و پرورش متفاوت هستند.

وی اظهار کرد: در گذشته، بچه‌ها در خانواده به دنیا می‌آمدند و هنجار‌ها را توسط خانواده یاد می‌گرفتند و افراد از مادر خود یاد می‌گرفتند اگر قرار است ارزشمندی خودم را حفظ کنم باید این چارچوب رفتاری را داشته باشم و عموماً دختر بیشتر از مادر خود یاد می‌گرفت و علاوه بر این، می‌آموخت رفتار مردانه یعنی رفتار پدرش. به همین دلیل، پسر، رفتار مردانه یا رفتاری که متضمن رفتارش در جامعه است را از پدر خود یاد می‌گرفت و دختر و زن خوب را فردی همانند مادرش تعریف می‌کرد و این چارچوب‌ها را در خانواده یاد می‌گرفت.

میرزایی گفت: امروز، در فضای رسانه و جامعه، فضای دوستانه تا حدی متفاوت است و در جامعه ما هنوز خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه پذیر کردن افراد به حساب می‌آید، اما به نظر می‌رسد به واسطه تغییر جامعه ما به یک جامعه مدرن، این موضوع تا حدی تغییر کرده است و افراد حس می‌کنند خانواده، نهاد اصلی نیست و مدرسه نهاد اصلی است همان طور که به نظر می‌رسد مهدکودک، نهادی است که مهارت‌های اولیه را به بچه‌ها یاد می‌دهد و فکر می‌کنم گاهی، بعضی از خانواده‌ها به ویژه در شهر‌های بزرگ‌تر و پرجمعیت‌تر از این موضوع شانه خالی می‌کنند.

وی افزود: باید به جوان یاد بدهیم که اگر می‌خواهد منفعت خود را حفظ کند باید خودکنترلی داشته باشد. به همین دلیل، حتی نوجوانی که احساس می‌کنیم تناقض دارد می‌گوید من این چارچوب را دارم و اگر کسی به من تعرض کند یعنی علیه من به ابراز خشونت می‌پردازد حتی اگر چارچوب این فرد با چارچوب ما متفاوت باشد. بنابراین، او هم دارای چارچوب است و این چارچوب‌ها را از کجا می‌گیرد؟ ما باید به او یاد دهیم.